

## اصلاحات و رویکردهای سیاسی - اقتصادی در سیره‌ی علوی

مجتبی گراوند<sup>۱</sup>

### چکیده

تحلیل سیره‌ی حضرت امیر (ع) پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص)؛ نقطه‌ی عطفی در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. بررسی مبانی و تبیین اصول حاکم بر اندیشه‌ی حکومتی و عادلانه‌ی امام علی (ع)؛ الگو و معیار خوبی جهت سنجش حکومت‌های اسلامی در طول تاریخ اسلام است. آن حضرت در طول زندگانی اجتماعی و سیاسی خویش با روش‌ها و شیوه‌های گوناگون؛ علاوه بر تبیین و نشر معارف ناب اسلامی به اجرای عملی سیره‌ی نبوی (ص) و دستورات دین مبین اسلام پرداختند. همچنین آن بزرگوار در مدت عمر کوتاه‌ی خلافتش با انجام اصلاحات مختلف اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی با انواع انحرافات و تبعیض‌هایی که در جامعه‌ی اسلامی به وجود آمده بود، به مبارزه پرداختند. با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله در صدد است به طور کلی و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع «اصلاحات و رویکردهای سیاسی - اقتصادی در سیره‌ی علوی» بپردازد.

واژه‌های کلیدی: امام علی (ع)، سیره‌ی علوی، اصلاحات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان [Garavand.m@lu.ac.ir](mailto:Garavand.m@lu.ac.ir)

## مقدمه

شایان ذکر است که شخصیتِ حضرت امیر (ع)، بزرگ‌تر از آن است که یک محقق بتواند در همه‌ی جوانب آن وارد میدان بحث شود و توسن اندیشه را به جولان در آورد اما آنچه برای یک فرد میسر است، پرداختن به یک یا چند بخش محدود و معین از سیره‌ی آن بزرگ مرد است. با مطالعه‌ی تاریخ اسلام و در یک تحلیل کلی، می‌توان زندگانی سیاسی و اجتماعی امام علی (ع) را به سه دوره تقسیم نمود: ۱- عصر رسالت ۲- عصر حاکمیت خلفای سه گانه ۳- دوران حاکمیت. در اینجا به جهت گستردگی موضوع، فقط به عنوان مقدمه‌ی بحث به دوره اول و دوم اشاراتی می‌شود.

## دوره‌ی رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص):

حضرت امیر (ع) از کودکی در خانه‌ی رسول گرامی اسلام (ص) رشد یافت و نخستین کسی بود که به رسول خدا (ص) ایمان آورد (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، خطبه‌ی ۱۳۱ و بلاذری، ۱۳۹۸، ۹۰/۲ و مسعودی، بی تا، ۱۹۸). آن حضرت در این باره می‌فرماید: «نور وحی و رسالت را می‌دیدم و نسیم نبوت را استشمام می‌کردم، و هنگام نزول وحی ناله‌ی شیطان را می‌شنیدم. به حضرت عرض کردم این ناله‌ی چیست؟ حضرت فرمود ناله‌ی شیطان است که مأیوس می‌شود از اینکه اطاعت شود. یا علی تو می‌شنوی آنچه من می‌شنوم و می‌بینی آنچه که من می‌بینم الا این که تو پیامبر نیستی بلکه وزیر پیامبری» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲). امام در خطبه‌ی قاصعه، درباره‌ی نزدیکی خود به پیامبر (ص) جملات زیبایی دارد (همان، خطبه‌ی ۱۹۵).

افتخار دامادی رسول اکرم (ص)، انتخاب آن حضرت به عنوان برادر رسول خدا (ص) هنگام برقراری عقد اخوت میان مسلمانان، شاگردی در محضر رسول گرامی اسلام و صاحب دانش فراوان بودن، نجات جان پیامبر (ص) در شب هجرت (لیلة المبیث)، جوانمردی، شجاعت و دلاوری آن حضرت در جنگ‌های بدر، احد و خندق و... از امتیازات عمده‌ی آن امام بزرگوار بود (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۸/ ۲۲ و ترمذی، بی تا، ۱۳/ ۱۷۰ و نیشابوری، ۱۳۳۴، ۳/ ۱۴ و خطبه‌ی ۲۰۸ و بلاذری، ۱/ ۲۶۰).

شایان ذکر است که فداکاری امام در راه اسلام سبب شد تا جملات فراوانی از رسول خدا (ص) درباره‌ی فضائل آن بزرگوار نقل شود که در اینجا فقط به دو نمونه اشاره می‌شود. احمد بن حنبل می‌گفت: «آن اندازه که برای علی (ع) فضائل صحیح و قابل قبول وارد شده، برای هیچ یک از صحابه وارد نشده است» (ابن

جوزی، ۱۳۹۳، ۱۶۰ و ابن محمد، ۱۳۷۱، ۱ / ۳۱۹). همچنین زید بن ثابت نیز به امام گفت: «موقعیت تو را نسبت به رسول خدا (ص) هیچ کس ندارد» (ابن اعثم، بی تا، ۲ / ۱۶۵).

### دوره‌ی حاکمیتِ خلفای سه گانه:

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، آنگاه که حضرت علی (ع) از نتایج سقیفه آگاهی یافت، مخالفت خود را صریحاً اعلام فرمود و در جاهای مختلف، به مناسبت‌های گوناگون این حقیقت را بازگو نمود (رک: شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۲۳۰ و نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳، ۲۶، ۷۴، ۱۷۲). همچنین آن بزرگوار از بدعت‌ها و انحرافات که به دست خلفا یا عمال آنها ایجاد می‌گردید، انتقاد می‌کرد و از آنها می‌خواست تا قوانین و حدود الهی را رعایت نمایند. خود نیز در حد امکان تلاش می‌کرد جلوی انحرافات را بگیرد هر چند در این زمینه موفقیت چندانی کسب نکرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ۹ / ۳۰۸).

شایان ذکر است که عملکرد امام علی (ع) در هر دوره از خلافت متفاوت بود به طوری که آن حضرت سیاست انتقاد- اتحاد را در پیش گرفت. امام علی (ع) در زمان خلیفه‌ی اول به دلیل جنگ‌های رده و شورش‌هایی که قصد تخریب دین مبین اسلام را داشتند، نمی‌توانست برای احقاق حق خود اقدامی نظامی انجام دهد. بنابراین به خاطر حفظ اسلام و وحدت مسلمین به ناچار با ابوبکر بیعت کرد و برای جلوگیری از به خطر افتادن حکومت نوپای اسلامی، تلاش کرد.

در عصر خلیفه‌ی دوم نیز اگر حضرت علی (ع) برای احقاق حق خود دست به اقدامی مسلحانه می‌زد، شاید برای برخی از مسلمانان کوتاه اندیش و تنگ نظر این ذهنیت به وجود می‌آمد که عمل او در مقابل خلافت چیزی جز رقابت شخصی نیست. به همین دلیل آن حضرت همواره سعی داشت که به مبارزاتش چهره‌ای مکتبی بخشیده و در چهارچوب آن حرکت کند. چنان که آن حضرت در احکام قضایی و در مشاوره‌های مهم مثل امر فتوحات ناجی خلیفه‌ی دوم به شمار می‌آمد.

شایان ذکر است که هر چند امام علی (ع) به خلفا کمک می‌کرد و مشورت می‌داد، ولی در برخی مواقع هم انتقاد می‌کرد که شاید یکی از مهم‌ترین انتقادات امام علی (ع) از خلیفه‌ی دوم به خاطر تشکیل شورای شش نفره بود. زیرا با اینکه عمر از رشادت‌ها و فضیلت‌های حضرت امیر (ع) آگاه بود اما او را در شورایی قرار داد که کمترین شانس برای پیروزی در آن شورا داشت و خلافت را به او واگذار نکرد. بنابراین برخلاف آنچه که عده‌ای تصور می‌کنند امام علی (ع) به محض از دست رفتن حق خویش انزوای مطلق برگزید و یا هیچ گاه در صحنه حضور نیافت و نسبت به سرنوشت مسلمانان بی‌تفاوت بود، اما آن حضرت همواره در

تمام این مدت به طور غیر مستقیم و محدود حضور داشت و از آنچه در جامعه‌ی مسلمانان می‌گذشت غافل نبود و برای حفظ مصلحت اسلام و مسلمین، در از دست رفتن حق خویش صبر نمود و برای زدودن بدعت‌ها و انحرافات از جامعه‌ی اسلامی به تلاش‌های گسترده‌ای دست زد. به عنوان نمونه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) اولین کسی که به دستور آن حضرت (ص) جمع آوری قرآن را همراه تفسیر و بیان شأن نزول آیات و بیان ناسخ و منسوخ آن‌ها آغاز نمود، علی بن ابی طالب (ع) بود (ناظم زاده، ۱۳۸۶، ۶۵/۲ و ابن شهر آشوب، بی تا، ۴۱/۲ و ابن ابی الحدید، ۲۷/۱).

شایان ذکر است که حضرت امیر (ع) در عصر خلفا علاوه بر تبلیغ و نشر احکام اسلام در حدّ توان برای تأمین زندگی بنی هاشم و اهل بیت (ع) که بعد از غصب فدک و محدودیت‌های مالی که خلفا ایجاد کرده بودند، دچار مشکل شده بود تلاش مستمر و پی‌گیری داشت. ثمره‌ی آن فعالیت‌ها، احداث چندین حلقه‌ی چاه و یک نخلستان بزرگ در اطراف مدینه بود که امروزه به منطقه‌ی «آبار علی» معروف است.

حاکمیت سیاسی امام علی (ع):

هنگامی که خلیفه‌ی سوم در اثر سیاست‌های غلط و انحرافات بزرگ، توسط مسلمانان کشته شد؛ شخصیتی که مورد علاقه‌ی اکثریت مردم قرار داشت، امام علی (ع) بود؛ لذا مردم گرد خانه‌ی آن حضرت جمع شدند و از او خواستند زعامت امت اسلام را به عهده گیرد (یعقوبی، بی تا، ۱۷۸/۲). حضرت امیر (ع) با وجود این که خلافت را حق خود می‌دانست، اما ابتدا از قبول آن خود داری نمود. به نظر می‌رسد که عدم پذیرش حضرت به دلایل زیر بر می‌گردد:

**الف)** جامعه‌ای که قریب به ۲۵ سال به دست خلفا اداره شده بود تا حدودی از سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام - (ص) دور و بسیاری از ارزش‌های دینی به فراموشی سپرده شده بود. بنابراین اجرای سیاست‌های اسلامی و برقراری عدالت اجتماعی در چنین جامعه‌ای کار آسانی نبود و اجرای عدالت اسلامی منافع بسیاری را به خطر می‌انداخت و درگیری داخلی امری حتمی بود.

**ب)** امام علی (ع) برای این که عدم دخالت خود در جریان شورش بر عثمان را ثابت کند، لازم دید با تأمل حکومت را قبول نماید تا جلوی سوء استفاده‌ی فتنه‌گران را بگیرد.

**ج)** از آنجا که بیشتر مردم معترض بر خلیفه‌ی سوم، گرد حضرت امیر (ع) جمع شده بودند؛ این امکان وجود داشت که بعدها بر امام منت نهند و پادشاهی‌هایی جهت این کارشان طلب نمایند؛ لذا برای توقعات بی جا و تحکیم موضع خود، امام بلافاصله دعوت آن‌ها را نپذیرفت.

### ۳-۱- مشکلات فرا روی امام علی (ع) :

زمانی که امام علی (ع) عهده دار خلافت شد، مشکلات زیادی وجود داشت که به طور مختصر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

**الف) عدم رعایت عدالت اقتصادی:** انحرافات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی با رحلت پیغمبر اکرم (ص) آغاز شد و روز به روز گسترش پیدا کرد. کج‌روی‌ها و انحرافات دوران ۲۵ ساله‌ی خلفا، اثر سوء خود را بر مردم نهاده بود. به عنوان نمونه ابوبکر با چشم پوشی از اشتباه برخی از فرماندهان مثل خالد بن ولید؛ عمر با تبعیض در تقسیم حقوق بیت المال و عثمان با حاتم بخشی از بیت المال و تحکیم فامیل سالاری بر خلاف سنت پیامبر گرامی اسلام (ص)؛ تبعیض‌های ناروایی در بیت المال مقرر داشتند. به همین دلیل حضرت علی (ع) هنگام پذیرش رهبری جامعه‌ی اسلامی؛ خطوط اساسی، اهداف و برنامه‌های راهبردی خود را در جهت رفع تبعیض و گسترش عدالت به صراحت اعلام نمودند اما با فشاری بر اجرای عدالت در همه‌ی میدان‌ها و حوزه‌های حکومت، برای آن حکیم جوانمرد و بزرگ مرد، دشواری‌ها و دردسرهای فراوانی را آفرید. به طوری که جبهه‌های سه گانه‌ی ناکثین و قاسطین و مارقین در برابر وی صف آرایی کردند. همچنین کسانی بودند که به صراحت دلیل مخالفت خود را همین می‌دانستند که امام علی (ع) در تقسیم اموال رعایت حال آنان را نکرده است (اسکافی، بی تا، ۲/۲۲۷).

به نظر حضرت امیر (ع) اگر حکومتی نتواند حق را اقامه کند و بر باطل یورش برد و در برابر فشار ستم و فریاد مظلوم بر خود نلرزد و بر پای نخیزد به اندازه‌ی عطسه‌ی بز و یا کفش وصله داری ارزش ندارد. در همین راستا آن بزرگوار دو اقدام مهم و اساسی را سر لوحه‌ی اقدامات حکومت خویش قرار داد:

**الف) مصادره و باز پس گیری اموال غاصبان**  
**ب) احیاء سنت برابری و مساوات در بهره مندی از بیت المال.**

شایان ذکر است که آن حضرت در شرایطی ویژه و حساس حکومت را پذیرفته بود و می‌دانست پاسخ مناسب به قیام خودجوش مردمی که در اثر تبعیض و ستم حکومت به ستوه آمده و سر به شورش برداشته و آن را واژگون کرده‌اند، جز با تأکید بر اصول عدالت و قاطعیت در برابر بی عدالتی‌های گذشته و عوامل آن ممکن نیست. بر همین اساس اگر آن حضرت از این شرایط ویژه بهره برداری نمی‌کرد، شاید با فروکش نمودن شور و احساس انقلابی مردم زمینه‌ی ای برای دست زدن به اقدامات اصلاحی نمی‌ماند. بنابراین با این

که می‌دانست از سوی اشراف جامعه با مشکلاتی بزرگ مواجه خواهد شد اما در اولین سخنرانی پس از بیعت برنامه‌های خود را که در واقع اصول عدالت اجتماعی و راهکارهای آن بود اعلام کرد و فرمود:

«من همچون یکی از شما هستم، آنچه به سود شماست سود من نیز هست و آنچه به ضرر شماست ضرر من است. بی تردید، در پیکار میان شما و اهل قبله را خدا گشوده و فتنه‌ها چون سیاهی شب‌های تار روی آورده است و این بار سنگین را جز صاحبان صبر و بصیرت که بر مواضع و موقعیت‌ها آگاهی داشته باشند، نمی‌توانند بر دوش کشند. من جز به راه پیامبران نخواهم برد و به آنچه مأمور شده ام اقدام خواهم کرد. مشروط بر اینکه شما نیز استقامت کنید. یقیناً دیدگاه‌ها و موضع من امروز همان موضعی است که در حیات پیامبر (ص) داشته‌ام» (ابن ابی الحدید، ۳۶/۷، ذیل خطبه‌ی ۹۱).

حضرت امیر (ع) برای تحقق سیاست عدالت اقتصادی با نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها و مدیران اجرایی و به کارگیری خدمتگزاران لایق در امور حساس و کلیدی در جهت تقویت و گسترش ارزش‌های دینی حرکت اصلاحی خود را ادامه داد.

ب) **گسترش تبعیض و افزایش اختلاف طبقاتی:** با نگاه و تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی، به نظر می‌رسد که اختلاف طبقاتی، برای گروهی ثروت و قدرت و برای گروهی دیگر فقر و بدبختی به بار آورد. نتیجه‌ی این تغییر و تحولات؛ تبعیض در توزیع امکانات، مشاغل، مناصب و ... بود.<sup>۱</sup> پس از پیروزی مسلمین، اعراب، ملل دیگر را موالی (برده‌های آزاد شده) می‌نامیدند و برای آنان حقوقی از بیت المال قائل نبودند اما امام علی (ع) با موالی در نهایت احترام و عدالت برخورد می‌کرد در حالی که عمر خلیفه‌ی دوم از آنان بیزار بود و دوری می‌کرد (باقر محمودی، ۱۳۹۷، ۱/ ۲۱۲-۲۱۳ و مفید، بی تا، ۱۵۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۱/ ۱۰۶ و نیشابوری، ۹۳/ ۱۱). جهت ایضاح بیشتر به چند نمونه اشاره می‌گردد؛ ابوهلال ثقفی نقل می‌کند: «عده‌ای از یاران حضرت امیر (ع) نزد او آمده و گفتند: این اموالی را که در اختیار داری ببخش و اشراف عرب و قریش را بر موالی و عجم ترجیح بده و برتری بخش و نیز آنان را که می‌ترسی به سوی معاویه بگریزند استمالت کن... حضرت در پاسخ فرمود: از من می‌خواهید پیروزی خود را با ستم به مردم به دست آورم؟» (ثقفی کوفی، ۱۳۵۵، ۴۸). نمونه‌ی دیگر آن که دو زن نزد حضرت امیر (ع) آمدند و کمک خواستند، آن بزرگوار به هر یک از آنان مقداری درهم و غذا به صورت برابر داد. یکی از زنان گفت: من زنی از عرب و او از عجم است! حضرت فرمود: به خدا قسم در زمینه‌ی بیت المال، فرقی بین فرزندان حضرت اسماعیل و

فرزندان اسحاق نمی بینم (همان، ۷۰). شایان ذکر است که آن حضرت نسبت به غیر مسلمانان نیز عدالت را مراعات می نمود به طوری که شیخ طوسی نقل می کند: «پیرمردی نابینا گدایی می کرد، حضرت امیر فرمود: این چه وضعی است؟ گفتند: یا امیر المؤمنین شخصی مسیحی است. حضرت فرمود: او را به کار گرفته اید، اکنون که عاجز و پیر شده، محرومش ساخته اید، از بیت المال هزینه ی او را بپردازید (حر عاملی، ۱۳۹۱، ۱۱/۴۹). به هر حال این سیاست حضرت امیر (ع) منافع عده ای از اشراف را به خطر انداخت و لذا در تضعیف حکومت امام (ع) به پا خواستند. اما حضرت امیر (ع) برای زدودن دستگاه اجرایی حکومت از افراد منحرف که عمده ترین مشکل برای اجرای احکام اسلامی بودند حرکتی جدی را آغاز کرد و با گروه های اجتماعی که سعی می کردند برنامه های اصلاحی آن حضرت را مختل نمایند، برخوردی قاطع نمود.

**ج) انحرافات دینی و فساد اجتماعی:** گسترش بدعت گرایی و عدم اعتنا به سنت نبوی از مشکلاتی بود که آن حضرت با آن مواجه بود. امام علی (ع) درباره ی علت پیدایش جنگ های داخلی میان مسلمانان، به رسوخ شبیه و کج فکری در میان مردم اشاره کرده اند (رک: نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۳). همچنین رفاه گرایی مردم سبب تضعیف آرمان ها و ارزش های دینی در جامعه شده و به دین جز به صورت ظاهر بهای چندانی داده نمی شد تا جایی که امام علی (ع) درباره ی فساد زمان خویش می فرماید:

«شما در زمانی به سر می برید که گوینده ی حق اندک است و زبان در گفتن راست، ناتوان. آنان که با حق اند خوارند و مردم به نافرمانی گرفتار و سازش با یکدیگر را پذیرفتار. جوانشان بدخو و پیرشان گنهکار. عالیشان دو رو، قاریشان سودجو، نه خردشان سالمند را حرمت نهد و نه توانگرشان مستمند را کمک دهد» (همان، خطبه ی ۲۳۳).

بنابراین امام (ع) به دگرگونی ارزش ها در جامعه ی زمان خویش و لزوم تحول آن سخن گفته اند به طوری که این جامعه می بایست غربال شود، آنان که پیش افتاده اند باز گردانده شوند و آنان که واپس مانده اند، پیش برده شوند. به همین دلیل حضرت امیر (ع) دست به اصلاحات عمده ای زدند که در سطور بعدی به طور خلاصه به آن ها اشاره خواهد شد.

### ۳-۲- اصلاحات امام علی (ع) :

همان طور که به طور کلی اشاره شد؛ حکومت حضرت امیر (ع) بر مبنای حق محوری، عدالت خواهی، صداقت در سیاست و سازش ناپذیری استوار بود. شایان ذکر است که حکومت آن حضرت از طرف مصلحت اندی شان ضعیف الایمان با موانع و مخالفت هایی روبرو شد. بدین ترتیب فرصت پنج ساله ی

حکومت امام علی (ع) به جای اینکه به طور کامل صرف اصلاح جامعه، تقویت دین و پیشرفت اسلام شود، بخش زیادی از آن صرف جنگ با گردنگشان عدالت گریز شد. همچنین بهترین یاران حضرت، در این جنگ‌ها به شهادت رسیدند و آن بزرگوار بیش از پیش تنها شد. با این وجود آن حضرت در مدت عمر کوتاه حکومت خویش دست به اصلاحاتی اساسی زد که به طور کلی به آن‌ها اشاره خواهد شد.

**الف) اصلاحات اقتصادی:** در اصلاحات اقتصادی، توجه به وضع معیشت فرودستان مسئله‌ای مهم در جامعه است چرا که با فقر و بیچارگی، بسیاری از فسادها، تباهی‌ها، بیچارگی‌ها و نارضایتی در جامعه رواج خواهد یافت و استحکام حکومت به خطر خواهد افتاد. به عبارت دیگر حکومتی می‌تواند آرامش را به مردمش هدیه کند که فقر و تنگدستی را به گونه‌ای واقعی از مردم دور کند و فاصله میان ثروتمند و تهیدست به کمترین مقدار برسد. در این میان حضرت امیر (ع) سیاست‌های اقتصادی خود را به طور عمده در دو زمینه انجام داد که عبارت‌اند از:

۱- **جلوگیری از حیف و میل بیت المال:** رعایت و برقراری عدالت یکی از مهم‌ترین وظایف یک حاکم اسلامی است. عدالت مبنای همه حرکت‌های صحیح مدیریت است که در اثر وجود عدالت همه چیز در جای خود قرار می‌گیرد و هر کس کارش را به درستی انجام می‌دهد. با مروری بر خطبه‌ها و نامه‌های حضرت امیر (ع) برنامه‌های اقتصادی ایشان را تا حدودی می‌توان تحلیل کرد. آن حضرت با برقراری یک شبکه‌ی نظارت و بازرسی راه هر گونه سوء استفاده‌ی مالی را بسته بود. همچنین آن حضرت برای آن که مردم در معاملات خود احکام خدا را رعایت کنند شخصاً به بازار رفته و مردم را به رعایت تقوای الهی در معاملات امر می‌فرمود و بر اجرای احکام الهی نظارت می‌کرد و در صورتی که کسی تخلف می‌نمود او را با تازیانه تنبیه می‌کرد.

شایان ذکر است که در نگاه حضرت امیر (ع) برتری‌های معنوی هرگز ملاک برتری‌های مادی و مالی قرار نگرفت و همگان به طور مساوی از بیت المال بهره مند شدند. آن حضرت در خطبه‌ای چنین فرمودند:

«آگاه باشید هر مردی از مهاجرین و انصار از اصحاب رسول خدا (ص) که خود را به خاطر همراهی با پیامبر (ص) برتر از دیگران می‌بیند بداند که برتری روشن در روز آخرت در نزد خداست و ثواب و اجر آن بر عهده ی خداست؛ و هر مردی که دعوت خدا و رسولش را اجابت کرده و روش ما را تصدیق و به دین ما وارد شده و رو به قبله ی ما نموده است، همانا حقوق و حدود الهی بر او واجب می‌گردد. بنابراین شما بندگان خدا و این اموال نیز مال



خداست که بین شما به نحو تساوی تقسیم می‌شود، هیچ‌کس را بر دیگری برتری نیست، برای تقوا پیشگان در نزد خداوند بهترین پاداش و برترین ثواب است، خداوند دنیا را پاداش و ثواب متقین قرار نداده است و آنچه نزد خداست برای نیکوکاران بهتر است فردا صبح نزد ما بیاید تا مالی که نزد ماست بین شما تقسیم کنیم و هیچ‌کس غائب نشود مسلمان حر چه عرب باشد و چه عجم چه قبلاً مشمول عطا خلیفه بوده و چه نبوده است، حاضر شود...» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ۳۷/۷).

امام برای انجام اصلاحات اقتصادی ابتدا از خود و اطرافیانشان آغاز کرد. به عنوان نمونه، در میان لباس‌های مختلفی که به بیت المال رسیده بود، یک پالتوی کلاه دار از جنس خز، نظر امام حسن (ع) را به خود جلب کرد اما حضرت از دادن آن خودداری کرده به عدالت تقسیم نمود و آن پالتو سهم جوانی همدانی شد و او چون شنید امام حسن بدان نظر داشته، به وی تقدیم کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۱/۴۰۱). همچنین آن حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابوبکر، توصیه کرد که حتی در نگاه‌هایش به مردم عدالت داشته باشد. زیرا اگر حاکم میان نگاه کردن به بزرگان و اشراف جامعه با نگرستن به ضعفا و پا برهنگان تفاوت قائل شود، گروه اول به حمایت بی دلیل او طمع می‌کنند و دسته دوم از عدالت وی نا امید می‌شوند (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۷). همچنین آن حضرت با عباراتی گویا و پس از توصیف وضعیت رقت انگیز برادرش عقیل و اوضاع دردناک معیشت وی؛ ترجیح او را بر سایرین، دین فروشی و بی‌اعتنایی به فرامین الهی می‌داند (همان، خطبه‌ی ۲۲۲). آن بزرگوار در زمینه‌ی رعایت عدالت اقتصادی می‌فرماید: «ضعیف در نزد من عزیز است تا حقش را از ظالم بگیرم و قوی برایم ناتوان است تا حق مظلوم را از وی بستانم» (همان، خطبه‌ی ۳۷). بنابراین حضرت امیر (ع) با قرار دادن افراد صالح بر سمت‌های مختلف و با اشاره به لزوم مبارزه با منشأ فساد در بخش عظیمی از بلاد اسلامی، یعنی مبارزه با معاویه، در نامه‌ای به عثمان بن حنیف انصاری، کارگزار خود در بصره می‌فرماید: «من به زودی تمام تلاش خود را می‌کنم تا زمین را از این شخص وارونه و کالبد سرنگون پاک سازم تا آن گاه که سنگریزه‌ها از میان دانه‌های درو شده بیرون بروند» (همان، نامه‌ی ۴۵). توجه حضرت علی (ع) به فقیران و بیچارگان جامعه اسلامی و رفاه بخشی به حال افراد ناتوان و فرودستان جامعه به گونه‌ای بوده است که امام علی (ع) در توصیف وضع زندگی مردم چنین می‌فرماید: «کسی را در کوفه نمی‌توان یافت که از رفاه و نعمت برخوردار نباشد، حتی فقیرترین مردم کوفه، از نان گندم می‌خورد و مسکن دارد و از آب شیرین فرات می‌نوشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۰/۳۲۷). دقت نظر امام (ع) در رعایت عدالت اجتماعی و اقتصادی و اصلاح سیاست‌های اقتصادی چنان است که هر انسان منصفی را به اعتراف و

می‌دارد. آن حضرت در نامه‌ی خویش به مالک اشتر چنین دستور می‌دهد: «زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خوی برتری طلبی دارند، خود را بر دیگران مقدم سازند، به اموال مردم دست اندازی نمایند و در معامله با مردم کمتر رعایت انصاف کنند. موجبات این احوال را قطع کن و بدین وسیله ریشه‌ی این مردمان را بر کن. به هیچ یک از اطرافیان و خویشانت زمینی از زمین‌های مسلمانان را واگذار مکن و نباید در تو طمع کنند که قرار دادی به سود آنان منعقد سازی که سبب زیان همسایگان شود» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳) بنابراین امام (ع) به کارگزارانش احتیاط در مصرف بیت المال را تذکر می‌دهد.

**۲- مصادره‌ی ثروت‌های حرام:** پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص)، با توزیع ناعادلانه‌ی بیت المال، خلافت از مسیر اصلی و الهی خارج شد که موجب تشدید فقر و نابرابری در جامعه گشت. به طوری که این انحرافات علت اصلی قیام مردم و قتل عثمان بود. حضرت امیر (ع) به این معضل بزرگ اشاره کرده‌اند و می‌فرمایند: «آگاه باشید که مردانی از شما که دنیا آن‌ها را در خود غرق کرده و زمین‌هایی را تصاحب کرده و نه‌رهایی شکافته‌اند و بر اسب‌های زیبا سوار شده‌اند و دختر بچه‌های زیباروی را در بر گرفته‌اند، و این زندگی برای آن‌ها عار و ننگ شده است. هنگامی که آن‌ها را از آنچه در آن فرو رفته‌اند باز دارم و آن‌ها را به سوی حقوقی که خود می‌دانند بکشانم، بر این کار سرزنش کرده و آن را زشت شمرده و می‌گویند: ابن ابی طالب ما را از حقوق خود محروم کرد» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ۷/ ۳۶). اما حضرت امیر (ع) اموالی را که به ناحق توسط دیگران جمع شده بود را با شجاعت به بیت المال برگرداند و این گونه مالکیت‌ها را غیر قانونی اعلام نمود. زیرا امام (علی) تأکید بر بازگشت به سیره‌ی نبوی (ص) داشت و از سرزنش مخالفان نه‌راسید. به عنوان نمونه، آن حضرت میان خواهرش ام هانی و برده‌ی عجمی وی بیت المال را بالسویه پرداخت نمود که در مقابل اعتراض خواهرش می‌فرماید در کتاب خدا تفاوتی میان فرزند اسماعیل و فرزندان اسحاق (عرب بر عجم) مشاهده نکردم (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱۵۱).

آن حضرت در زمینه‌ی رعایت و اجرای عدالت به درستی می‌فرمایند: «کسی که عدالت برای او تنگی بیاورد، ستم برای او تنگ تر است» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵). در واقع یکی از دلایل حضرت امیر (ع) از پذیرش حکومت آن بود که فقر را ریشه کن کرده و عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار سازد. به طوری که در این باره می‌فرماید: «بدانید، سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده، اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود، یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خداوند از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ظالم و گرسنگی مظلوم خاموشی نگزینند افسار حکومت را بر گردنش می‌افکنم و رهایش

می‌کرد... «نهج البلاغه، خطبه ی ۳). از این رو در طول حکومت خود همواره با ظالم و ظلم ستیز کرد و سعی داشت که ریشه‌های فقر و نابرابری را یکی پس از دیگری بخشکاند.

ب) اصلاحات فرهنگی: به طور کلی حضرت امیر (ع) پس از به دست گرفتن حکومت، به دو اقدام عمده دست زد که به طور کلی به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱) تبلیغ و معرفی اسلام ناب محمدی (ص): منظور از اسلام ناب محمدی (ص) همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از پیامبر اکرم (ص) بی هیچ پیرایه و آرایشی به امام علی (ع) در قول و عمل رسیده است. شایان ذکر است که اسلام ناب محمدی (ع) با تمام اجزای آن مورد نظر است و در صورت کاستی یا فزونی بر اجزای آن، تحریف یا ناقص، و خلوص و ناب بودن آن خدشه دار می‌شود؛ چرا که در واقع این کاستی‌ها یا فزونی‌ها موجب تحریف و تغییر حقیقت اسلام می‌شود که عملاً با اسلام ناب فاصله زیادی می‌گیرد. گاه در این اسلام‌های تحریف شده تنها ظواهری از دیانت باقی می‌ماند که از حقیقت اسلام و دین الهی خبری نیست و لذا به سادگی در خدمت ستمگران و طاغوت در می‌آید و عملاً هیچ‌گاه نجات بخش محرومان و مستضعفان و حامی ستم‌دیدگان نخواهد بود؛ بلکه حتی توجیه‌گر ظلم و ستم طاغوت‌ها و ستمگران می‌گردد. بر همین اساس و با توجه به اهمیت موضوع، حضرت امیر (ع) علاوه بر تفسیر صحیح قرآن و حفظ آن از تحریف و تأویل، منع کتابت و نشر احادیث پیامبر (ص) را که در عصر خلفا اعلام شده بود از میان برداشت و با تمام وجود در نشر احادیث نبوی تلاش کرد که بخشی از آن‌ها در خطبه‌های آن حضرت در نهج البلاغه آمده است.

۲) تربیت شاگردان شایسته: اسلام دینی جامع است که کارآمدی آن برای اداره‌ی جامعه در همه‌ی زمینه‌ها اثبات و شناخته شده است. در دوران خلفا سه گانه، نگاه تک بعدی به دین مبین اسلام، سبب به وجود آمدن انحرافات بسیاری در جامعه شده بود. بر همین اساس امام علی (ع) در زمینه‌ی تربیت شاگردان متعهد و متخصص اهتمام خاصی داشت. آن حضرت انسان‌های شایسته و با استعدادی را همچون کمیل بن زیاد، ابن عباس، مالک اشتر، میثم تمار، ابو الأسود دؤلی، رشید هجری، حجر بن عدی و... برای تصدی مشاغل گوناگون حکومت و نشر و گسترش فرهنگ خدمت به مردم را انتخاب کرده و تربیت می‌نمود.

شایان ذکر است که برخوردار از خصال و فضایل برجسته فردی به تنهایی محور گزینش و انتخاب افراد نیست بلکه باید توان کاری هم در کنار آن باشد. تعهد و تخصص همراه با عشق و علاقه باید معیار اصلی گزینش باشد. امام علی (ع) که تربیت یافته‌ی مکتب قرآن و پیامبر اکرم (ص) است، به شایسته سالاری در

نظام مدیریتی اعتقاد دارد و می‌فرماید: «ای مردم همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و رهبری امت تواناترین بر اداره ی آن و دانا به فرمان خداوند در فهم مسائل است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲) و نیز می‌فرماید: «آن کس که از عهده ی امور به درستی برآید، شایستگی ولایت و رهبری را دارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ۳۴۹/۵).

**ج) اصلاح نظام مدیریت:** نگاهی به بیانات و فرامین امام علی (ع) راجع به مبحث مدیریت این نکته را مشخص می‌کند چنان که رهبران، مدیران و زمامداران یک جامعه به درستی تربیت نشوند ولی در مسند امور قرار بگیرند و راه و روش صحیح حکومت داری و مدیریت را فرا نگیرند، مردم آن جامعه هرگز روی صلاح و اصلاح را نخواهند دید. بنابراین وقتی آن حضرت به حکومت رسید و ایان فاسد را عزل نمود و به جای آن‌ها زمامدارانی جدید منصوب کرد. یعقوبی می‌نویسد: «علی (ع) وقتی به خلافت رسید به جز ابوموسی اشعری، کلیدی کارگزاران زمان عثمان را عزل نمود» (یعقوبی، ج ۲ / ۱۷۹). امام علی (ع) معتقد بود که بدون اصلاح مدیریت جامعه، اصلاح توده‌ی مردم کار بسیار دشواری خواهد بود. به عنوان نمونه ابن عباس و مغیره بن شعبه و... نزد امام علی (ع) آمدند و از آن حضرت خواستند تا استوار شدن پایه‌های حکومت اسلامی از عزل معاویه خودداری نمایند؛ اما حضرت امیر (ع) نپذیرفت (دینوری، ۱۹۶۰، ۱۴۲) و شایستگی او را برای استانداری شام تأیید نکرد. حضرت امیر (ع) علاوه بر انتخاب افراد مؤمن و متعهد برای زمامداری، تشکیلات ویژه ای برای کنترل و نظارت فعالیت‌های آن‌ها گماشت و آموزش‌های لازم را نیز در این زمینه به آن‌ها داد. از دیدگاه امام علی (ع) مدیر و حکمران جامعه‌ی اسلامی می‌بایست شرایطی را دارا باشد که آن شرایط و ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

**۱- خدمتگزار بودن:** در دیدگاه امام علی (ع) مسئولان، خدمت‌گزاران مردم هستند و هنگام روبرو شدن با مردم باید با خوی نیکو و سخن نرم برخورد نمایند و هیچ‌گاه نباید در کارها خود را از عنوان خدمتگزار و کارگزار از نظر دور بدارند و نقاط ارتباط و تماس نیکو را با مردم تحکیم بخشند و خود را به زیور علم و فرو نشاندن خشم در همه‌ی احوال آراسته سازند. در همین زمینه امام علی (ع) در فرمان خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «مهر و محبت و احسان به رعیت را در دل بپرور، برای آنها درنده‌ی شکاری نباش که خوردن آنها را غنیمت دانی، آنها دو گروه بیش نیستند: یا با تو برادرند در دین یا در خلقت با تو برابرند». هم چنین آن حضرت بر کنترل دائمی همه‌ی کسانی که به هر نحوی به کاری گماشته شده‌اند، تأکید کرده است. به ویژه امام (ع) به مدیران توصیه کرده است که علاوه بر آنکه باید ناظر اعمال زیر دستان باشند، کار

آن‌ها را کنترل و مواظبت باشند تا با سوء استفاده از قدرتی که به آن‌ها داده شده است به رعیت ستم نکنند. گروهی را نیز بایستی برای بازرسی همیشگی آنها بگمارد تا همواره او را در جریان شیوهی عملکرد آن‌ها قرار دهند. به همین دلیل آن بزرگوار در قسمتی از سخنان گهر بار خود خصوصیات لازم را جهت انتخاب این بازرسان، برای مالک اشتر چنین بیان می‌کند: «بر آن‌ها بازرسان و کنترل‌کنندگانی بگمار که به تو وفادار و راست گو باشند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین هر مسئولی پس از پذیرش هر مسئولیتی باید تمام حسابگری‌های نفسانی را کنار نهد و با تمام وجود، خود را وقف انجام وظیفه نماید و بر خلاف کسانی که تصور می‌کنند، مدیریت یعنی دست از کار کشیدن و تنها نظاره گر بودن؛ مدیر اسلامی باید در راه انجام مسئولیت خطیری که بر عهده گرفته همه‌ی هستی‌اش را در طبق اخلاص بگذارد. مدیر اسلامی باید بیشتر عشق و محبت خویش را متوجه مردم و محرومینی نماید که بدون هیچ توقعی بار مشکلات جامعه را به دوش می‌کشند و پایه‌های نظام اسلامی بر دوش آنان استوار است و در هنگام هجوم دشمنان ایثارگرانه جان خود را نثار می‌کنند.

**۲- دوری از تشریفات:** امام علی (ع) سادگی رهبر و دوری از تشریفات را از جمله ویژگی‌های لازم برای یک رهبر اسلامی بر شمرده‌اند. یک مدیر اسلامی در درجه‌ی نخست باید ایمان و تقوا داشته باشد. مدیر مؤمن، مطیع فرامین الهی است و به محض دست‌یابی به یک مسئولیت، روحیه‌ی خود را نباخته و با وقار و اطمینان خاطر کار را ادامه می‌دهد. توصیه‌ی حضرت امیر (ع) به مالک اشتر در این خصوص شنیدنی است: «ای مالک، مالک نفس خویش باش و آن را به دست هوی مسپار، نفس خویش را با ترک خواهش‌ها بکش و به هنگام سرکشی، عنانش را بکش که نفس پیوسته به بدی فرمان می‌دهد جز آنکه خدای رحم کند و در اجابت نفس در نارواها بخل بورزد و بدان که همانا بخل ورزیدن نسبت به نفس، مراعات انصاف است در آنچه که برای آن خوشایند یا ناخوشایند است» بنابراین یک مدیر اسلامی باید مراقب باشد تا مال و مقام او را شیفته‌ی دنیا نسازد و از توجه به آینده و روز مرگ باز ندارد و باعث انحراف و تباهی وی نگردد.

**۳- حکومت بر قلمرو فکری:** مدیران در نظام اسلامی باید در مقام عمل برای اداره‌ی جامعه و نفی تبعیض و نجات آدمیان از فقر، تهیدستی، ظلم و ستم تلاش کنند و همگان را از آسایش کامل و مزایای اجتماعی و حقوقی و سیاسی به مقدار قابلیت و استعداد و کارایی آنان برخوردار نمایند. برای دانستن میزان درستی و نادرستی مدیریت‌ها در اداره‌ی جامعه، باید آن را با شیوه و روش پیامبر گرامی (ص) و پیشوایان راستین اسلامی سنجید؛ اگر با آن مطابقت داشت، شیوه‌ای درست می‌باشد، و گرنه باید آن را شیوه‌ای نادرست تلقی

کرد. از دیدگاه حضرت علی (ع) رهبر و حکمران جامعه‌ی اسلامی باید بر یک مملکت فکری حکومت کند که عناصر ملیت، نژاد، زبان و خاک در ایجاد یا ترکیب آن سهمی ندارند. بلکه سازنده‌ی آن، اشتراک انسان‌ها در عقاید و افکار و مبادی و عنایات انسانی معین است و معیار و ملاک اصلی، تقوای الهی می‌باشد. همچنین از نگاه آن بزرگوار مدیران باید ویژگی‌های همچون: تحمل بالا در سختی‌ها، برخورد منصفانه با فروستان، پاک سازی محیط از چاپلوسان و تملق گویان، داشتن ملایمت رفتاری، مشورت در امور، انتقاد پذیری، رعایت اعتدال در امور، اعمال مدیریت تشویق و تنبیه، داشتن روحیه‌ی ظلم ستیزی، پرهیز از شتاب زدگی، دوری از بداندیشان، پای بندی به واقعیت‌های زمان، گزینش بر اساس لیاقت و... داشته باشند.

به رغم همه‌ی زحماتی که حضرت امیر (ع) در راه اصلاح مردم و جامعه‌ی اسلامی کشید اما سرانجام آن بزرگ مرد تاریخ، در شب ۱۹ رمضان سال ۴۰ هجری قمری، در مسجد کوفه، به ضربت شمشیر ابن ملجم مرادی، مجروح شد و در شب ۲۱ رمضان، در ۶۳ سالگی، همان طور که از پیامبر شنیده بود، به دست بدترین و شقی‌ترین مردم به شهادت رسید. در اینجا بخشی از وصیت نامه‌ی گهر بار آن حضرت را در واپسین دم حیات به نقل از کتاب مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی نقل می‌کنیم.

- شما دو تن (حسن و حسین) را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. در جستجوی دنیا نباشید، اگر چه دنیا در جستجوی شما باشد. بر چیزی از دنیا که از دست شما می‌رود، دریغ مخورید. جز حق نگویید و برای پاداش [برای آخرت] کار کنید. دشمن ستمگر و یاور مظلوم و ستم‌دیده باشید.

- شما دو تن و همه‌ی فرزندان و خانواده‌ام و هرکس را که وصیت نامه‌ام به دست او می‌رسد به تقوای الهی و رعایت نظم در کارها و اصلاح میان خودتان سفارش می‌کنم. از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «اصلاح میان مردم، برتر از تمام نماز و روزه است و دشمنی نکنید که باعث زوال دین است».

- به خویشان خود بنگرید و با آنها رفت و آمد کنید که خدا محاسبه را بر شما سبک می‌کند.

- خدا را، خدا را! در مورد یتیمان، رعایت کنید، گرسنه‌شان نگه ندارید و در محضر شما، در رنج و خواری نیفتند. از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز شود، خداوند بهشت را بر او واجب می‌گرداند».

- با مردم به نیکویی سخن بگویید، چنان که خداوند شما را بدان فرموده است، و امر به معروف و نهی از منکر را کنار نگذارید که در این صورت، خدا بدان شما را بر شما حاکم می‌کند، دعا می‌کند، ولی اجابت نمی‌شود.

- در کار نیک و پرهیزکاری، یار همدیگر باشید و بر گناه و ستم، همدلی نکنید (اصفهانى، ۱۹۶۵، ۴۴ - ۲۸).

### نتیجه

پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) در دوران خلفای سه گانه، خلافت اسلامی دستخوش انحرافات عدیده‌ای گردید. به طوری که ملاک برتری در زمان رسول گرامی اسلام (ص) که بر پایه‌ی تقوا استوار گشته بود، یکی پس از دیگری به فراموشی سپرده شد. امکانات سیاسی، اقتصادی و پست‌های کلیدی در اختیار گروهی خاص قرار داشت که نتیجه‌ی آن گسترش فقر و اختلاف طبقاتی میان فقیر و غنی بود. در آن دوران عملکرد حضرت امیر (ع) در هر دوره از خلافت متفاوت بود به طوری که آن حضرت به خاطر حفظ اسلام و وحدت مسلمین، سیاست اتحاد - انتقاد را در پیش گرفت. با عمیق‌تر شدن انحرافات در عصر خلیفه‌ی سوم، مردم خواستار اصلاحات شدند که تجلی خواست آن‌ها بیعت با امام علی (ع) بود. آن حضرت به رغم اینکه انبوهی از مشکلات در برابرش بود اما عزم جدی و راسخ خود را بر انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی آشکارا اعلام نمود. شایان ذکر است که اصلاحات آن بزرگوار در چهارچوب عدالت، مبارزه با بدعت‌ها و انحرافات، خدمت به مردم و رسیدگی به حقوق آن‌ها، نفی امتیاز طبقاتی، رفع تبعیض و ساماندهی اوضاع اقتصادی مردم و برقراری شایسته‌ی سالیاری و ... بود.

پی نوشت

۱. راجع به ثروت برخی از خلفا و صحابه‌ی صدر اسلام، رک: مروج الذهب و معادن الجواهر مسعودی، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۶۹۰-۶۹۱. همچنین راجع به تأثیر فتوحات و زمین‌های اقطاعی در تضاد طبقاتی و اختلافات اقتصادی، رک: ابویوسف، الخراج، ص ۵۷ و یحیی ابن آدم، الخراج، صص ۷۳-۷۴ و ابن سلام، الاموال، ص ۱۲۵ و صابی، الوزراء، ص ۲۹.

### منابع

نهج البلاغه، تحقیق شریف رضی، تصحیح دکتر صبحی صالح، بیروت.  
ابن آدم، یحیی، (۱۴۰۹). الخراج، تصحیح احمد محمد شاکر، قاهره، مطبعة السلفية.  
ابن ابی الحدید، (۱۳۸۷). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دارالاحیاء الکتب العربیة.  
ابن اعثم الکوفی، ابومحمد، (بی تا). الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیة.  
ابن بابویه، ابوجعفر محمد، (۱۳۶۱). معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی.

- ابن جوزی، (۱۳۹۳). مناقب احمد بن حنبل، بیروت، دار الافاق الجدیدة.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۰۵). طبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
- ابن سلام، ابو عبید القاسم، (۱۹۶۸). الأموال، تحقیق خلیل محمد هراس، قاهره.
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر، (بی تا). مناقب، قم، حوزه علمیه.
- ابن محمد، قاضی ابوالحسین، (۱۳۷۱). طبقات الحنابلة، تحقیق محمد حامد، قاهره.
- ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، (۱۳۸۲). الخراج، تصحیح طه عبدالرئوف، قاهره، المؤسسة العربیة الحدیثة.
- اسکافی، ابو جعفر، (بی تا). المعیار و الموازنة فی فضائل امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع)، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی.
- اصفهانى، ابوالفرج، (۱۹۶۵). مقاتل الطالبین، نجف، المطبعة الحیدریة.
- امین، سید محسن، (بی تا). اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف.
- باقر محمودی، شیخ محمد، (۱۳۹۷). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- بلاذری، محمد، (۱۳۹۸). انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت.
- ترمذی، (بی تا). صحیح ترمذی، مصر، بولاق، ط الاولی، بی تا.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۷۳). غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح و تعلیق: میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق، (۱۳۵۵). الغارات، تحقیق میر جلال الدین محدث ارموی، تهران.
- حُر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۱). وسائل الشیعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- دینوری، ابوحنیفه، (۱۹۶۰). اخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر، قاهره.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳). الارشاد، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم.
- \_\_\_\_\_، (بی تا). الاختصاص، قم، انتشارات اسلامی.
- صابی، هلال، (۱۹۵۸). الوزراء، تحقیق عبدالستار فراج، قاهره.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.



مسعودی، ابوالحسن، (۱۳۶۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.

\_\_\_\_\_، (بی تا). التبیه و الاشراف، بیروت، مکتبه الخياط.

ناظم زاده، اصغر، (۱۳۸۶). الفصول المأه فی حیاة ابی الأئمه علی بن ابی طالب، قم.

نیشابوری، ابو عبدالله محمد، (۱۳۳۴). المستدرک علی الصحیحین، حیدر آباد.

یعقوبی، محمد بن واضح، (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی